

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر پنجم: اعتصام و فرار
دکتر محمدتقی فتاحی

زندگی معنوی



۱۵..... **❧ دیباچه**

۳۱..... باب هفتم / اعتصام

۳۳..... دستاویزی برای نجات

۳۵..... **❧ نشانه اول:** ریسمان واسط بین حق و خلق

۳۶..... **❧ نشانه دوم:** پناه جستن به خدا و حبل الله

۴۳..... **❧ نشانه سوم:** سفر در اسماء الهی

۴۴..... ● **چکیده مباحث**

۴۵..... برگزشتن از تردیدها و پاسداشت دستورات الهی

۴۶..... **❧ نشانه اول:** وقف وجود خویشتن

۴۹..... **❧ نشانه دوم:** فرارفتن از اوهام و تردیدها

۵۲..... ● **چکیده مباحث**





پناه جویی به پیام‌های الهی ۵۳

❁ نشانه اول: ارتباط تنگاتنگ غیب و شهود حقایق با مراتب وجودی و بینش آدمیان ۵۴

❁ نشانه دوم: لزوم نگاه موّحدانه به نیروهای خیر و شرّ ۵۶

❁ نشانه سوم: پاداش و عقاب به مثابه عینیت انتخاب‌های آدمی ۵۸

❁ نشانه چهارم: راهکارهای درک عظمت پروردگار ۵۹

❁ نشانه پنجم: همقطاری تواضع و تعظیم ۶۴

❁ نشانه ششم: یقین و انصاف مبنای دادوستد سالکانه ۶۵

❁ نشانه هفتم: سرشت یقین و مراتب آن ۶۶

❁ نشانه هشتم: احساسات آدمی تابعی از اعمال او است ۶۹

❁ نشانه نهم: اهمیت یقین و نشانه‌های آن ۷۲

❁ نشانه دهم: گنه انصاف‌ورزی نسبت به حق و خلق ۷۶

● چکیده مباحث ۷۴





دل بریدن از غیر خدا ۸۱

● نشانه اول: مراحل سه گانه انقطاع و نورانیت ۸۳

● نشانه دوم: انواع آدمیان و خواسته هایشان ۸۶

● نشانه سوم: کامستن از خواسته ها؛ رمز آزادی درونی ۸۹

● نشانه چهارم: خوش خلقی؛ عصاره فضائل ۹۰

● چکیده مباحث ۹۸

شهود تفریدی حق ۹۹

● نشانه اول: امکان پذیری اتحاد و پیوند با حضرت حق ۱۰۰

● نشانه دوم: تواضع در پیشگاه حق مایه فزونی شهود ۱۰۰

● چکیده مباحث ۱۰۱

● حاصل سخن ۱۰۲





- باب هشتم فرار..... ۱۰۵
- گریختن از غیر خدا به خدا..... ۱۰۷
- تفسیر:..... ۱۰۸
- گریز از نیستی به هستی جاودان..... ۱۰۹
- نشانه اول: ادعای بی خطایی ادعایی واهی!..... ۱۱۰
- نشانه دوم: مراتب نفس آدمی..... ۱۱۰
- نشانه سوم: زندگی بر مبنای بندگی..... ۱۲۰
- نشانه چهارم: شاخص های زندگی مبتنی بر بندگی..... ۱۲۲
- نشانه پنجم: انواع آرامش..... ۱۳۶
- چکیده مباحث..... ۱۳۰





- گريزاز تنگنا به سوي فراخي ۱۳۳
- نشانه اول: مصاديق علم در قرآن كريم ۱۳۴
- نشانه دوم: تلازم ايمان و عمل صالح ۱۴۷
- نشانه سوم: شاخص هاي شخصيت شاداب و متعادل ۱۴۸
- نشانه چهارم: شاهراه معنوي براي دستيابي به رزق ۱۵۱
- نشانه پنجم: محاسبه الهي و رزق بي حساب ۱۵۷
- نشانه ششم: تلازم حق گرايي با شرح صدر و باطل گرايي با قساوت قلب ۱۵۸
- چكيده مباحث ۱۶۱





بهره‌مندی بی‌واسطه از تجلیات شهودی ۱۶۳
❁ نشانه اول: فیض‌گیری مستقیم از خداوند ۱۶۳

فنا‌ی در حق ۱۶۵
❁ نشانه اول: شهودی عاری از جنبه‌های بشری ۱۶۵

❁ حاصل سخن ۱۶۶
❁ کتاب‌نامه ۱۷۱



دبیاچه

معرفت، مهم‌ترین عامل برتری انسان است. انسان به وسیله عقل، که مهم‌ترین قابلیت وجودی اش است، می‌تواند راه معرفت را برگزیند یا در تاریک‌خانه نادانی و رکود، از تلاش و کوشش برای نیل به عرفان، خود را محروم نماید.

نیک‌بختی و شوربختی ایام عمر و نیز سعادت‌مندی و شقاوت‌مندی زندگی، محصول تصادف یا جبر و گُره‌ی که ملازم حیات بشر باشد، نیست، بلکه عینیت انتخاب‌ها و سلوک‌های لحظه‌به‌لحظه آدمی است. زندگی در عین پیچیدگی ظاهری، از وضوح و شفافیت باطنی حیرت‌انگیزی برخوردار است. بشر به میزان توجه و دقت‌ورزی در رویارویی با شرایط گوناگون و متعدد زندگی، زمینه بهره‌وری افزون‌تر یا محرومیت بیشتر خویش را از حقایق عمیق و لطایف شیرین آفرینش فراهم می‌آورد. بی‌شک، خالق کائنات و نیروهای بی‌شمار او در زمان مناسب و به مقتضای فضل و عدل، بهره‌مندی یا حرمان وی را رقم می‌زنند.

به طور کلی، وضعیت بنی آدم بعد از هبوط دو گونه است؛ صعود یا سقوط. بعد از آنکه پدر انسان ها از میوه ممنوعه استفاده کرد و عصیان خدا نمود، هبوط نصیب آدم و فرزندان وی شد و از این طریق جایگاه و محل استقرار دائمی انسان ها سیاره منجمدی به نام زمین شد:

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَبَّاهُ عَلَيْهِ وَهَدَى * قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِنَّمَا يَتَّبِعُكُم مِّنِي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هَؤُلَاءِ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى؛ آنگاه از آن [درخت ممنوعه] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسباندن برگ های بهشت بر خود و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت سپس پروردگارش او را برگزید و بر او ببخشود و [وی را] هدایت کرد.

هر یک از فرزندان آدم به راهی رفتند و مسیری برای خود برگزیدند. با نگاه کلی می توان گفت که آدمیان یکی از دو راه را در پیش گرفتند؛ برخی به سمت آسمان رفتند و راه هدایت، رفعت و صعود پیش گرفتند و بعضی دیگر زمینی شدند مسیر گمراهی، نابودی و سقوط را پیمودند:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ * ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ؛ [که] به راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم سپس او را به پست ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم.

هر لحظه دو راه پیشروی انسان وجود دارد؛ راهی به سمت بالا و راهی به سوی پایین، مسیری در راستای آسمان و مسیری به سمت زمین، راهی به رهایی و راهی به وابستگی، جاده ای به سمت خدا و جاده ای به سمت خودیت و در یک کلام مسیری به سمت صعود یا سقوط. کسی که در مسیر هدایت و صعود باشد، اهل رشد است و در اصطلاح قرآنی «رشد» نامیده می شود و تحت پوشش نام «رشد» خدا خواهد بود. اما کسی که زمینی باشد، نردبان سقوط و تنزل را می پیماید و تحت پوشش اسم «مُضِلّ» قرار می گیرد. انسان ها یا اهل صعودند یا اهل سقوط و خود به این امر واقف اند و بصیر؛ زیرا که خداوند معرفت به این دو مسیر را درون انسان ها به ودیعت نهاده است:

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ

اَسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا اِنْفِصَاءَ لَهَا وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است.

فَالْتَمَسْنَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا؛^۱ سپس پلیدکاری و پرهیزکاری اش را به آن الهام کرد.

پرسش جالبی رخ می‌نماید و آن اینکه چه عاملی سبب صعود یا رشد می‌شود؟ و چه سببی موجب سقوط و گمراهی می‌گردد؟ پاسخ قرآن بسیار ناب است. آخرین کتاب آسمانی بر این نکته پای می‌فشارد که سازندهٔ صعود و آفرینندهٔ سقوط تنها یک چیز است: عمل. اگر انسان عمل درست و به اصطلاح «صالح» انجام دهد در مسیر رفعت و بلندا قرار گرفته است و اگر عملی سوء و نادرست از او صادر شود، راه سقوط در پیش گرفته است. از آنجاکه انسان در هر لحظه مشغول عمل است و فعل او می‌تواند خوب یا بد باشد پس در هر لحظه و با هرفتاری، در نردبان هستی بالا یا پایین می‌رود.

چون نیک بنگریم میان انسان و خدا راه‌های متعددی کشیده شده است. هرگز مسیری که به سمت خدا می‌رود انحصاری نیست و نمی‌تواند باشد؛ چراکه انسان‌ها با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، چنانکه اعمال خوب بی‌شمارند. پس می‌توان گفت به تعداد انسان‌ها بلکه عمل‌های خوب، راهی به سوی آسمان وجود دارد و هرانسانی از مسیری می‌تواند تکامل یابد:

راه‌ها به سمت خدا به تعداد انسان‌ها است.^۲

راه‌ها متفاوت‌اند. مسیرهایی که به سمت آسمان و نیل به حقیقت کشیده شده‌اند، بسیار متفاوت و متنوع‌اند. میان انسان و خدا هرگز مسیر واحدی وجود ندارد بلکه هر لحظه و در برابر هرانسانی، راه‌های گوناگونی به سوی خدا هست و انسان می‌تواند با گام نهادن در هریک، خود را تا حدی بالا کشد و بالا برد.

اگر به جاده‌های دنیا هم نگاه کنیم در آن‌ها تنوعات زیادی می‌بینیم؛ برخی سنگلاخی‌اند، برخی ماسه‌ای، برخی یک‌طرفه، برخی دوطرفه، برخی کوهستانی،

۱. بقره، ۲۵۶.

۲. شمس، ۸.

۳. نخجوانی، فواتح الالهیه، ج ۱، ص ۲۰؛ مدرسی، من هدی القرآن، ج ۱۲، ص ۲۳۶؛ حقی بروسوی، روح

البیان، ج ۳، ص ۲۷۲؛ طیب، اطیب البیان، ج ۵، ص ۲۸۷.

برخی اتوبانی و بعضی دیگر آن چنان وسیع و پرحجم اند که گاه دوازده باند دارند. راه‌های معنوی نیز چنین است؛ برخی ناهموارند و بعضی دیگر هموار، برخی یک باند دارند و بعضی دیگر چند باند و برخی در کویرند و بعضی دیگر در گلستان.

واقعیت آن است که هرکدام از خوبی‌ها و ارزش‌ها یک مسیر محسوب می‌شوند و می‌توانند راه هدایت باشند و آدمی را به سمت خوبی یا زیبایی دیگری سوق دهند؛ «شکر» یک مسیر است، «صبر» یک راه است، «نماز و عبادت» یک طریق است، «دعا» راهی است به سمت هدایت، «ذکر» مسیری است که انسان‌ها را بالا می‌برد، «صداقت» نشان‌دهنده مسیر انسانیت است، یکی از راه‌های خوشبختی «علم و معرفت» است و «عشق» از نزدیک‌ترین راه‌ها به سمت محبوب عالم محسوب می‌گردد.

زندگی معنوی به مانند بازی مار و پله است؛ گاهی با یک حرکت زیبا، از پله‌های صعود بالا می‌رویم و زمانی با یک عمل یا فکر نادرست به پرتگاه زشتی‌ها سقوط می‌کنیم، به گونه‌ای که نه تنها تمامی پله‌های ترقی را بازمی‌گردیم بلکه چند پله‌ای را هم تنزل می‌نماییم.

واژه «حی» و «حیات» یکی از زیباترین واژه‌های قرآنی است. «حی» نام زیبایی خداست و در موارد متعددی از آیات قرآن به کار رفته است. در آیات نورانی قرآن، زندگی دو بُعد دارد؛ مادی و معنوی. عنوان «حياة الدنيا» به زندگی مادی اشاره دارد و از زندگی معنوی با واژه «حیات طیب» یاد می‌شود.

رویکرد انسان‌ها به جنبه مادی زندگی دو گونه است؛ برخی به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اند^۱ و آن را بر زندگی در سرای آخرت ترجیح می‌دهند؛^۲ از این رو به ظاهر زودگذر دنیا بسنده می‌کنند^۳ و سرمست غرور می‌شوند.^۴ انسانی با این ویژگی‌ها، آیات و نشانه‌های الهی را به سخره می‌گیرد، فرستادگان الهی را انکار می‌کند، به قیامت ایمان نمی‌آورد و در منجلاب آلودگی‌های اخلاقی و اعتقادی فرو می‌رود.

گروه دیگری از فرزندان آدم، در کنار استفاده از نعمت‌های دنیا، بهترین زاد

۱. یونس، ۷.

۲. بقره، ۸۶.

۳. روم، ۷.

۴. اعراف، ۵۱.

و توشه را از کشتزار دنیا برای آخرت خود فراهم می‌کنند. آنان با انجام کارهای نیک و شایسته همراه با باوری استوار و راستین، به حیاتی طیب و زندگی پاک دست می‌یابند که حاصل آن بشارت به سعادت دنیا و آخرت^۱ و دریافت نصرت و یاری پروردگار^۲ است.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم،

و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

«حیات طیب» به معنای زندگی پاکیزه و خالص از هرگونه آلودگی است.^۳ زندگی پاک، مرحله جدید و برتری از زندگی ظاهری است؛^۴ چراکه این مرتبه، شکوفایی مرتبه‌ای از مراتب روح است که با برخورداری از ایمان و کردار پسندیده جوانه می‌زند و از خاک حیات ظاهری دنیا سر برمی‌آورد. این زندگی، همان بُعد معنوی زندگی انسان‌ها است که بر پایه ایمان به خدا و عمل صالح استوار شده است. انسان‌های دربند خاک می‌توانند با پیوند زدن خود به خدا و تکیه بر کردار صواب خویش، رنگ جاودانگی به خود گرفته و زندگی دیگری را آغاز کنند.

آدمی با برخورداری از زندگی معنوی، در دریای محبت و قرب الهی غوطه‌ور می‌شود، در مسیر سعادت گام برمی‌دارد و افقی فراتر از دیگران را نظاره می‌کند. او اموری را درک می‌کند که دیگران تحمل آن را ندارند؛ چراکه با روحی از جانب خدا تأیید شده است:

أَوَلَمْ يَكُنْ لَكَ كِتَابٌ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانِ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ؛ در دل این‌هاست

که [خدا] ایمان را نوشته و آن‌ها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است.

براساس این رهنمود قرآنی، در مؤمن حقیقتی وجود دارد که زمینه سعادت

۱. یونس، ۶۴.

۲. غافر، ۵۱.

۳. نحل، ۹۷.

۴. راغب اصفهانی، مفردات، ج ۱، ص ۵۲۷.

۵. طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۳۴۱.

۶. مجادله، ۲۲.

همیشگی او را فراهم می‌کند. حقیقتی که دیگران از آن بهره‌ای ندارند و سزاوار است، نام زندگی بر این حقیقت نهاده شود، نه زندگی نباتی و حیوانی. بنابراین زندگی در دنیا دو بُعد «مادی و معنوی» دارد. انسان با ایمان و انتخاب درست می‌تواند همگام با برخورداری از زندگی مادی، به زندگی معنوی و به تعبیر قرآن به «حیات طیبه» یا «زندگی پاک» نیز دست یابد.

تصوّر ما این است که انسان‌ها دو دسته‌اند: مرده و زنده. چه کسانی را مرده می‌دانیم؟ کسانی که به صورت افقی زیر خاک هستند. چه کسانی را زنده می‌دانیم؟ کسانی که به صورت عمودی روی زمین هستند. اما قرآن این‌گونه نگاه نمی‌کند. در نگاه قرآن، مردگان دو دسته هستند: افقی‌های زیر خاک و بعضی از عمودی‌های روی خاک. به طور کلی به فرموده قرآن، انسان‌ها سه دسته هستند: **یک)** زنده: اعم از روی خاک یا زیر خاک. قرآن می‌فرماید:

أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱ زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

دو) مردگان: اینان دو دسته هستند: برخی از افقی‌های زیر خاک و بسیاری از عمودی‌های روی زمین. تنها انسان‌های خوب زنده‌اند و انسان‌های بد، حقیقتاً مرده‌اند، گرچه گمان کنند که زنده‌اند.

❁ مجموعه زندگی معنوی

مجموعه «زندگی معنوی» درس‌گفتارهایی است که طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۶ به مدت ۱۱ سال ارائه و هم‌اکنون با بازنگری و ویرایش، آماده عرضه شده است. این مجموعه، بر پایه اثر فاخر «منازل السائرین» از خواجه عبدالله انصاری، زندگی معنوی یا فرامادی را تبیین می‌کند. در این کتاب، اصول و ویژگی‌های زندگی معنوی به گونه‌ای عرضه شده است که نظامی منسجم و چارچوبی واحد و جامع را برای فهم خود ما و رفتارمان، چه از جنبه فردی و چه به لحاظ اجتماعی فراهم می‌آورد؛ از این رو، مناسب است اندکی با صاحب کتاب منازل السائرین و روش‌شناسی این اثر آشنا شویم.